کلیدهای موفقیت در تبلیغ دین

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر شریعتی سبزواری

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر شریعتی سبزواری، از اساتید برجسته حوزه علمیه و از صاحب‌نظران فن خطابه و تبلیغ، در گفت‌وگویی اختصاصی با هفته‌نامه افق حوزه، به بررسی ابعاد مختلف تبلیغ و هنر منبر پرداخته است. وی که آثار ارزشمندی چون «خطبه و خطابه در اسلام» و «درباره سخن و سخنوری» و «مناظره و تبلیغ» را در کارنامه علمی خود دارد، در این مصاحبه به نکات ظریف و کاربردی در زمینه تبلیغ و سخنرانی پرداخته است که می‌تواند برای مبلغان دین بسیار مفید باشد.

▫ چه عواملی باعث موفقیت یک سخنرانی از منظر قرآن می‌شود و چگونه می‌توان این عوامل را در عمل به کار بست؟

• تبلیغ دین، امانتی است الهی که در فکر و قلب مبلغان قرار گرفته است. هر مبلغی در پیشگاه خداوند و مردم مسئول است که این امانت را به بهترین وجه به مردم برساند. همان‌طور که در آیه قرآن آمده است: ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (سوره احزاب، آیه ۳۹)، مبلغان دین باید با تقوای الهی و اخلاص کامل به تبلیغ دین بپردازند و در این راه، خوف و ترسی جز از خدا نداشته باشند. بدون شک رسالت‌های الهی را باید از قرآن بگیریم و به مردم ابلاغ نماییم. هر آیه‌ای، رسالتی از رسالت‌های الهی را در بر دارد. حدیث برای تبیین آیه قرآن است.

قرآن در این زمینه راهنمایی کرده و ما نیز هیچ‌گاه از قرآن تخطی نمی‌کنیم. هنگامی که منبری‌ها را ارزیابی می‌کنیم، اگر محور سخنرانی‌شان قرآن نباشد و حدیث باشد، به آن‌ها می‌گوییم که سخنرانی شما فاقد مبنای قرآنی است و نمی‌تواند مورد قبول قرار گیرد.

البته ابتدا به آن‌ها تذکر می‌دهیم. اگر در مرتبه بعد همچنان در آغاز سخن حدیث نقل کنند و محتوای آن را شرح دهند، باید به یاد داشته باشند که روایت داریم: حدیث در گام اول باید حتماً به قرآن عرضه شود؛ اگر قرآن آن را پذیرفت، نقل شود وگر نه، «فَاضْرِبُوهُ عَلَى الْجِدَارِ»؛ یعنی به اصطلاح مؤدبانه، آن را کنار بگذارید و علمش را به خودشان بازگردانید.

امّا شیوه تبلیغ نیز در خود قرآن آمده است:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (سوره نحل، آیه ۱۲۵)

این بهترین و جامع‌ترین آیه برای تعیین شیوه تبلیغ، به شکل منبر و سایر راه‌های تبلیغ است و حتی مواردی مانند ارائه فیلم در سینماها و رسانه‌هاست. در آیه آمده است:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ.﴾

راغب در مفردات، و علامه نیز به نقل از وی، حکمت را به این معنا گرفته‌اند: «إِصَابَةُ الْحَقِّ بِالْعِلْمِ وَالْعَقْلِ»؛ یعنی دستیابی به حق بر اساس علم و عقل. این تعریف نشان می‌دهد که استفاده از عقل و علم برای رسیدن به واقعیت‌ها و کشف حقایق، در همه جا لازم و ضروری است؛ البته علمی که با محتوای تبلیغ مرتبط باشد، در تبلیغ علم روان‌شناسی و امثال آن هم لازم است. پس در تبلیغ، عقل نیز نباید بیکار باشد؛ بلکه باید فعال باشد و در تبلیغ نیز باید از علم مناسب و عقل و دین بهره برد. برای مثال، در شناخت مخاطب، به علم روان‌شناسی نیاز داریم؛ اینکه این مخاطب کیست و در چه شرایطی قرار دارد و چگونه باید با او برخورد کرد.

در ادامه آیه نیز آمده است: ﴿وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾. وجود قید حسنه نشان می‌دهد که موعظه سیئه نیز وجود دارد. باید از موعظه حسنه در تبلیغ استفاده کرد.

▫ چگونه می‌توان موعظه حسنه را تعریف کرد و چرا باور واعظ به موعظه اهمیت دارد؟

برای تعریف و تشخیص موعظه حسنه، باید به چند نکته توجه کرد:

۱. پشتوانه علمی و دینی: موعظه حسنه باید بر اساس علم و دین و عقل و تجربه باشد و نمی‌توان بدون مبنای محکم و استناد به منابع معتبر، به وعظ و نصیحت پرداخت. برای مثال، وقتی می‌گویید: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (سوره لقمان، آیه ۱۳) این یک موعظه با پشتوانه عقل و دین است که هم از نظر دینی، هم قرآنی و هم عقلی مستحکم است. بنابراین، موعظه‌ای که بدون پشتوانه و صرفاً بر اساس نظر شخصی باشد، نمی‌تواند در تمام موارد حسنه و مفید باشد. مطالعه مواعظ لقمان و دیگر بزرگان دین و ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌تواند معیار موعظه حسنه را به ما یاد بدهد.

۲. باور واعظ به موعظه: واعظ باید به آنچه که می‌گوید، کاملاً معتقد و پایبند باشد. اگر موعظه حسنه از دل واعظ برنیاید و یا او به آنچه می‌گوید عمل نکند، این موعظه تأثیر چندانی نخواهد داشت، گرچه موعظه نیکو باشد. همان‌طور که گفته شده است: «الكَلِمَةُ إذا خَرَجَت مِنَ القَلبِ وَقَعَت في القَلبِ، وَإذا خَرَجَت مِنَ اللِسانِ لَم يتجاوِزِ الآذانَ، شرح نهج‌البلاغة لابن أبي‌الحديد: ۲۰/۲۸۷/۲۷۹»؛ اگر موعظه از دل بر نیاید، تنها از گوش عبور می‌کند و به دل نمی‌نشیند.

۳. تأثیر بر مخاطبان: موعظه حسنه باید دلنشین و کاربردی باشد. این به معنای آن است که موعظه باید با عقل، علم، دین و فرهنگ مخاطب همخوانی داشته باشد و نباید صرفاً سخنی باشد که به نظر واعظ خوب می‌آید ولی با فرهنگ مستمع مناسب نباشد. همچنین نباید به خاطر جلب توجه مردم یا محبوبیت سخنور گفته شود، بلکه باید از دل باشد و بر اساس حقایق و واقعیت‌ها بیان شود.

عالمی بزرگوار موعظه می‌کرد و جریان زنی را بازگو می‌کرد که حامله شده بود و سقط جنین کرده و جنین را در سرکه انداخت و سرکه را فروخت و این قضایا را برای پیامبر تعریف می‌کرد و حضرت به سخنانش گوش می‌داد. به پیغمبر عرض کرد: «شاید به این دلیل نماز عصر من قضا شده». در صورتی که بازگو کردن گناه، خود گناه است و این موعظه بدی است.

۴. مطابقت با اصول دینی و عقلی: موعظه حسنه باید مطابق با اصول دینی و عقلی باشد و نمی‌تواند از پیش خود چیزی گفته شود که به نظر خوب بیاید. باید از آنچه قرآن، عقل سالم و دین، آن را نیکو می‌داند، استفاده شود. همچنین، واعظ باید از منابع معتبر تاریخی و علمی و دینی استفاده کند و نباید به مطالب سطحی و ضعیف بسنده کند و اگر از مسموعات باشد باید معیارها را داشته و مستند باشد.

در پایان آیه آمده است: ﴿وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (سوره نحل، آیه ۱۲۵)؛ اگر بخواهیم جدال «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» را توضیح دهیم، می‌توانیم بگوییم به کتاب «مناظرات اسلامی» که به قلم خود حقیر نوشته شده است، مراجعه فرمائید. اما منظور از «احسن» چیست؟ یعنی جدالی که کینه، دشمنی و نفرت تولید نکند، بلکه به جای آن، محبت و دوستی ایجاد کند و طرف مقابل را به پذیرش وادارد.

وقتی این حقیر، برخی از منبری‌ها را بر اساس اصل مجادله ﴿بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ در مشهد مقدس ارزیابی کردم، متوجه شدم که بعضی از آن‌ها اکنون بهتر از گذشته به من علاقه دارند. من هم در مقابل، آن‌ها را بیشتر دوست می‌دارم ولی عده قلیلی از سخنوران از من دلگیر شدند. آقای فلسفی همیشه به ما توصیه می‌کردند که در سخنرانی‌ها به تعداد زیادی از نکات اشاره نکنیم؛ مثلاً نگوییم ده نکته و یا بیست نکته عرض می‌کنم. بگوئید به چند نکته اشاره می‌شود. چرا که اولاً مستمع نمی‌داند به کدام یک عمل کند. و در ثانی نکاتی را ممکن است فراموش کنید در حالی که مستمعان می‌خواهند باقی‌مانده را هم بشنوند. او تأکید داشت در منبر شور و هیجان ایجاد کنید؛ زیرا ما باید با شورانگیزی بر مخاطب تأثیر بگذاریم.

▫ چرا در موعظه نباید گناهکاران را سرزنش کنیم و چگونه می‌توان با استفاده از روش‌های مثبت و امیدوارانه، آن‌ها را به اصلاح رفتار تشویق کرد؟

• مضاف بر این، موعظه نباید با توبیخ و سرزنش گناهکاران همراه باشد. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام آمده است: گنهکار را به خاطر گناهش سرزنش نکنید، بلکه باید به گونه‌ای صحبت کنید که برایش خوشایند باشد. این حدیث نشان می‌دهد که موعظه موثر، موعظه‌ای است که با رویکردی امیدوارانه همراه باشد. خداوند نیز بر این نکته تاکید دارد که درهای توبه همیشه به روی بندگانش باز است. ﴿ولا تيأسوا من روح الله انّه لا ييأس من روح الله الاّ القوم الكافرين﴾. (سوره یوسف، آیه ۸۷)

همچنین، موعظه باید بر موضوع واحد تمرکز کند. با ارائه بعضی از مثال‌های مرتبط، مستمعان به اهمیت موضوع مورد نظر پی خواهند برد و انگیزه بیشتری برای عمل به آن پیدا خواهند کرد. برای مثال، اگر درباره حق‌الناس صحبت می‌کنید، با ارائه مثال و یا نمونه‌هایی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام در این زمینه، می‌توانید تأثیرگذاری موعظه خود را افزایش دهید. مثلاً در حدیثی پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «اگر کسی حقّ‌الناس به گردن دارد در تشییع جنازه‌اش شرکت نکنید».

و اصولاً با تمرکز بر یک موضوع خاص، موعظه نه‌تنها اثرگذارتر خواهد بود، بلکه در ذهن مستمعان ماندگارتر نیز خواهد شد. به یاد داشته باشیم که هدف از موعظه، هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت است. با سرزنش و تحقیر آن‌ها نمی‌توان اشتیاق به توبه ایجاد کرد.

▫ چرا تمرکز بر یک موضوع خاص در سخنرانی می‌تواند تأثیرگذارتر باشد و چه تکنیک‌هایی برای حفظ تمرکز بر موضوع پیشنهاد می‌شود؟

• تجربه‌ای که تأثیر عمیقی بر مستمعان من گذاشت، مسئله رعایت اصل تناسب و شناخت معایب مستمع است و آن مرتبط با موضوع شراب بود. در منطقه‌ای نفت‌خیز، بسیاری از افراد به مصرف مشروبات الکلی روی آورده بودند. من تصمیم گرفتم چندین جلسه سخنرانی با موضوع مضرات شراب برگزار کنم. در این جلسات، علاوه بر ارائه دلایل شرعی و علمی منع مصرف الکل، با بهره‌گیری از قدرت کلام شعرا و استناد به اشعاری که عمق فاجعه را به تصویر می‌کشند، تلاش کردم تا عواقب شوم این عمل را به مخاطبان نشان دهم. مانند ابیات معروف زیر:

ابلیس شبی رفت به بالین جوانی
آراسته با شکل مهیبی سر و بر را
گفتا که منم مرگ و اگر خواهی زنهار
باید بگزینی تو یکی زین سه خطر را
یا آن پدر پیر خودت را بکشی زار
یا بشکنی از خواهر خود سینه و سر را
یا خود ز می‌ناب کِشی یک دو سه ساغر
تا آنکه بپوشم ز هلاک تو نظر را
لرزید از این بیم جوان بر خود و جا داشت
کز مرگ فتد لرزه به تن ضیغم نر را
گفتا پدر و خواهر من هر دو عزیزند
هرگز نکنم ترک ادب این دو نفر را
لیکن چو به می دفع شر از خویش توان کرد
مِی نوشم و با وی بکنم چاره شر را

تا آنجا که می‌گوید:

جامی دو بنوشید و چو شد خیره ز مستی
هم خواهر خود را زد و هم کُشت پدر را
ای کاش شود خشک بن تاک و خداوند
زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را

موعظه حسنه باید مطابق با اصول دینی و عقلی باشد و نمی‌تواند از پیش خود چیزی گفته شود که به نظر خوب بیاید. باید از آنچه قرآن، عقل سالم و دین آن را نیکو می‌داند، استفاده شود. همچنین، واعظ باید از منابع معتبر تاریخی و علمی و دینی استفاده کند و نباید به مطالب سطحی و ضعیف بسنده کند و اگر از مسموعات باشد باید معیارها را داشته و مستند باشد.

▫ چگونه استفاده از اشعار و مثال‌های ادبی می‌تواند بر تأثیرگذاری سخنرانی بیفزاید؟

• این ابیات به زیبایی عواقب شوم مصرف الکل را به تصویر می‌کشند. استفاده از چنین اشعاری، علاوه بر ایجاد جذابیت در سخنرانی، باعث می‌شود که پیام به صورت عمیق‌تری در ذهن مخاطب نفوذ کند. نتیجه این تلاش‌ها بسیار امیدوار کننده بود. بسیاری از افراد پس از این جلسات، مصرف الکل را ترک کرده و حتی مبالغ قابل توجهی را که برای خرید مشروبات هزینه می‌کردند، به کارهای خیر اختصاص دادند. البته ناگفته نماند آن‌ها مبالغ ترک شراب را برای بنده جمع کرده بودند. بنده با این‌که محتاج بودم نگرفتم.

این دو نمونه نشان می‌دهند که اگر بخواهیم در سخنرانی‌هایمان تأثیرگذار باشیم، باید بر روی یک موضوع خاص تمرکز کنیم و با استفاده از مثال‌های عینی، شعر، آمار و دلایل تاریخی، دینی، منطقی و مواعظ سودمند، مخاطبان را متقاعد سازیم. همچنین، تکرار موضوع در جلسات مختلف و پیگیری مستمر، به تثبیت مفاهیم در ذهن مخاطبان کمک می‌کند. البته تکرار باید متنوع و با عبارات تازه و مطالب علمی و تجربی باشد.

علاوه بر تمرکز بر یک موضوع، استفاده از مثال‌های شخصی و تجربیات دیگران نیز می‌تواند تأثیرگذاری سخنرانی را افزایش دهد.

تمرکز بر یک موضوع خاص و استفاده از مطالب دینی و ذکر تجربیات، همگی از ابزارهای قدرتمند در افزایش تأثیرگذاری یک سخنرانی هستند و می‌توانند به شکل مؤثری مفاهیم را در ذهن مخاطبان نهادینه کنند. ولی نباید غفلت کرد و باید در سخنرانی‌ها تقوا و خدا را در نظر داشته باشیم.

چاپلوسی؛ زنگ خطری برای سخنران

در سفری که در خرمشهر منبر می‌رفتم، یک روز مدیر حسینیه با خوشحالی پیش من آمد و بشارت داد که مرد ثروتمندی به نام پروین که صاحب یک کارخانه بزرگ با دو هزار کارمند و کارگر در خرمشهر بود و برای برادر متوفایش مراسم باشکوهی در حسینیه برپا کرده است. صاحب حسینیه که محل برگزاری مجلس و مراسم بود، از من خواست تا در وصف پروین سخنرانی کنم و در عوض چکی می‌کشد و پول خانه‌ای در قم به من هدیه می‌دهد. اما پس از تحقیق درباره پروین، متوجه شدم که او فردی ظالم و ستمگر است. به همین دلیل، تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم و از ظالمان انتقاد کنم. این کار با واکنش منفی جمعی روبرو شد و گروهی خوشحال شدند. حتی مزد سخنرانی‌ام را پرداخت نکردند. با این حال، من به تصمیم خود افتخار می‌کردم، زیرا معتقدم رضایت خدا و صداقت و راستی مهم‌تر از هر چیز دیگری است. و پس از برگشت به قم به سادگی خانه خوبی تهیه شد و آثار عنایت الهی را دریافت کردم.

در هر حال، بهترین روش برای دعوت دیگران به سوی حق، همان‌طور که در قرآن آمده است، استفاده از حکمت استدلالی و مواعظ نیکو و اخلاقی و گفتگوی سازنده است. اگر در جریان گفتگو به اختلاف‌نظر رسیدیم، باید با نهایت احترام و نرمش با طرف مقابل برخورد کنیم و به جای محکوم کردن او، سعی کنیم به نقاط مشترک برسیم. ائمه اطهار بعد از نماز و منبر می‌نشستند به سؤالات مستمعان پاسخ می‌دادند. این سنّت را ما باید تعقیب کنیم.

در کتابی که درباره مناظره نوشته‌ام، به نکاتی اشاره کرده‌ام از جمله این‌که اگر در جریان مناظره احساس کردیم که طرف مقابل متقاعد نشده است، بهتر است بحث را به زمان دیگری موکول کنیم. همچنین، اگر طرف مقابل نکته خوبی را مطرح کرد، باید از او تشکر کنیم و نشان دهیم که به نظرات او احترام می‌گذاریم. این رویکرد نه‌تنها باعث می‌شود تا فضای گفتگو سالم‌تر شود، بلکه احتمال پذیرش نظر طرف مقابل را نیز افزایش می‌دهد.

منبر نیز مانند هر نوع تبلیغ دیگری، نیازمند مقدمه‌چینی و پرورش مفاهیم است. نباید مطالب را به صورت تلگرافی و سریع بیان کرد، زیرا این کار باعث می‌شود تا مخاطب نتواند به‌خوبی مطالب را درک کند. حتی بزرگان علم و دین نیز به این نکته توجه داشته‌اند و در سخنرانی‌های خود، مفاهیم را به‌طور کامل و با استفاده از مثال‌های متنوع توضیح داده و می‌دادند.

▫ چرا تمرکز بر یک موضوع خاص در منبرها و سخنرانی‌ها اهمیت دارد و چگونه استفاده از شعر و آیات قرآن می‌تواند به پرورش موضوع کمک کند؟

• برای تأثیرگذاری بیشتر در منبرها، باید موضوع سخنرانی متنوع باشد. یعنی با استفاده از شعر، آیات قرآن، تفسیر قرآن و احادیث پرورش داده شود. این کار باید به گونه‌ای انجام شود که تمرکز بر یک موضوع خاص حفظ گردد، زیرا پرداختن به چندین موضوع به‌طور همزمان می‌تواند خسته کننده باشد و نتیجه معکوس دهد.

در یک مورد، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین مروی، تولیت محترم آستان قدس رضوی از بنده برای ارزیابی سخنرانی در مشهد دعوت کردند. ایشان پس از سخنرانی پرسیدند: «نظر شما چیست؟» بنده پاسخ دادم: «ابتدا، شما ده دقیقه بیشتر از زمان تعیین شده صحبت کردید. دوم، در شرایطی که در مشهد، سنی‌ها نیز به عنوان زیارت حضور دارند، شما موضوعی را مطرح کردید که به وضوح به گروهی خاص انتقاد شد. این نوع صحبت‌ها می‌تواند به جای وحدت، باعث ایجاد جدایی و تنش شود. باید توجه داشته باشید که نحوه بیان شما باید به‌گونه‌ای باشد که موجب محبت و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران و مهمان‌نوازی شود».

این نکات را که مطرح کردم، ایشان پذیرفتند. هدف از این توضیحات این است که سخنران باید به شرایط زمانی و مکانی توجه داشته باشد و مطالب خود را به‌گونه‌ای ارائه کند که متناسب با وضعیت موجود باشد.

برای مثال، در شرایطی که فلسطینی‌ها در حال تعرض و کشتار به وسیله صهیونیست‌ها هستند، اگر منبری آیه‌ای را از قرآن بخواند که به شکلی یهودیان را تبرئه می‌کند، مناسبت ندارد، ممکن است باعث سوءتفاهم و واکنش‌های منفی شود. بنابراین، توجه به شرایط جهانی و محیطی که در آن صحبت می‌شود، بسیار مهم است و باید به‌طور کامل شرایط زمان و مکان در نظر گرفته شود تا از ایجاد سوءتفاهم و تنش جلوگیری شود.

ادامه در صفحه ۱۱